

بقلم : حجت بلاغی

دانشمندان جهان متحیرند که این شخصیت عظیم عالم اسلامی را با چه عنوانی از عناوین تخصصی معرفی کنند زیرا بهر عنوانی او را متخصص بگویند مشاهده میکنند که در سایر عناوین هم تخصص دارد زیرا در شیمی و فیزیک در معدن شناسی در طب در زیج در تجزیه و تحلیل مواد آلی اجسام و بالاخره در فلسفه و منطق و غیرها دارای صدها کتاب و تحقیق و تألیف است مانند کتابهای عنصر، و مجردات، والطبیعة، و ما بعد الطبیعة، و احجار، و املاح، و خواص و... و نیز جواب نامدهائی که بدجمله فرنگی و به علی بن یقظین و به علی بن اسحاق برمکی و به منصور بن احمد برمکی (در باره تلین حجاره) و غیرهم داده و کتاب «اغراض الصنعة» که برای جعفر بن یحیی برمکی نوشته است علاوه کتابهای فلاسفه یونان را تصحیح کرده و کتابهای مصححات فیثاغورس و سقراط و افلاطون و ارسطو و ارسنجانس و ارکانیس و اموریس و ذی مقرطیس و حبی و غیرها را (هریک جدا گانه) نوشته است و کتابهای زهره و زحل و مریخ و شمس اکبر و شمس اصغر و عطارد و قمر اکبر و شرح برمجسطی و براقلیدس نیز از آثار او است. و در علم کلام کتابی بنام «جاروف» نگاشته و در نقض اقوال فلاسفه پانصد کتاب و در طب پانصد کتاب

شخصیت جابر بن حیان

نوشته است که یکی از آنها کتابی است عظیم و همچنین در تشریح دارای کتابست.

نمونه نظریات یک مورخ و یک فیلسوف در باره جابر:

این خلکان مورخ معروف، جابر بن حیان را اهل طرسوس (۱) و از شاگردان حضرت امام جعفر صادق (ع) نوشته (۲) و حکیم سلمة بن احمد مجریطی در کتاب غایة الحکم بعد از نقل مهارت محمد بن زکریا رازی نوشته که استاد مقدم علی الاطلاق شیخ اجل ابو موسی جابر بن حیان صوفی است.

حضرت صادق (ع) استاد جابر بوده :

جابر بن حیان نابغه عظیم از مصاحبین و شاگردان و مستفیدین اسرار خدمت حضرت امام جعفر صادق (ع) بوده و چون آن حضرت در مدینه الرسول ساکن بوده جابر در مدینه میزیسته و این علوم عالیه را از سر چشمه صافی فیوضات امام دریافت کرده است.

در سرتاسر تاریخ صدر اسلام روزنهائی نشان نمی دهد که دیگری عالم اینگونه علوم و دانای این فنون بوده تا بتوان گفت جابر استفاده اینگونه رموز و اسرار غامضه عالم کون و وجود را از غیر حضرت صادق (ع) کرده باشد.

دانشمندان جهان متحیرند که این شخصیت عظیم عالم اسلامی را با چه عنوانی از عناوین تخصصی معرفی کنند زیرا بهر عنوانی او را متخصص بگویند مشاهده میکنند که در سایر عناوین هم تخصص دارد زیرا در شیمی و فیزیک در معدن شناسی در طب در زیج در تجزیه و تحلیل مواد آلی اجسام و بالاخره در فلسفه و منطق و غیرها دارای صدها کتاب و تحقیق و تألیف است مانند کتابهای عنصر، و مجردات، والطبیعة، و ما بعد الطبیعة، و احجار، و املاح، و خواص و... و نیز جواب نامدهائی که بدجمله فرنگی و به علی بن یقظین و به علی بن اسحاق برمکی و به منصور بن احمد برمکی (در باره تلین حجاره) و غیرهم داده و کتاب «اغراض الصنعة» که برای جعفر بن یحیی برمکی نوشته است علاوه کتابهای فلاسفه یونان را تصحیح کرده و کتابهای مصححات فیثاغورس و سقراط و افلاطون و ارسطو و ارسنجانس و ارکانیس و اموریس و ذی مقرطیس و حبی و غیرها را (هریک جدا گانه) نوشته است و کتابهای زهره و زحل و مریخ و شمس اکبر و شمس اصغر و عطارد و قمر اکبر و شرح برمجسطی و براقلیدس نیز از آثار او است. و در علم کلام کتابی بنام «جاروف» نگاشته و در نقض اقوال فلاسفه پانصد کتاب و در طب پانصد کتاب

- ۱ - طرسوس بروزن جبروت نام شهری است واقع در مابین انطاکیه و حلب . و قبر مأمون عبدالله بن هارون الرشید عباسی در طرسوس است و جهش این است که مأمون بننوان جنگ و لشکر کشی حرکت کرد و چون به طرسوس رسید در آنجا وفات یافت - معجم البلدان .
- ۲ - ابن الندیم قولی هم نقل کرده که جابر اهل خراسان بوده ولیکن متعرض نام گوینده نشده و ارزشی برای این گفتار قائل نگشته .

سرو دست شکسته و صحیح و ناصحیح به‌مراه خود آورده و بعداً خواهد آورد، لذا امام (ع) زبده‌ترین شاگردان خود را که جابر بن حیان بود برای تعلیمات صحیح این رشته علوم و فنون انتخاب فرمود و راه و رسم صحیح را با وی یاد داد و موارد اغلاط و خطایای فلاسفه را با او آموخت. و قطعاً میتوان گفت که طرح همین مباحث و نفوذ ورود بر کتب فلاسفه ایجاب کرده که مأمون خلیفه عباسی بفکر کتابهای فلاسفه و ترجمه آنها بیفتد.

تاریخ رحلت امام (ع) و وفات جابر :

حضرت امام جعفر صادق (ع) در سال ۱۴۸ هجری رحلت فرمود و جابر بن حیان تنها ماند و شصت و دو سال بعد از آن حضرت زندگانی کرد زیرا وفات جابر را در سال ۲۰۰ هجری نوشته‌اند.

نظریه رازی پزشک نامی درباره جابر :

ابن الندیم و راقی در کتاب «الفهرست» بترجمه مینویسد: محمد بن زکریا رازی طبیب معروف مؤلف کتاب حاوی (که در حقیقت دائرة المعارفی است در طب و کتابهای دیگر) در کتابهای خود که در صنعت تألیف کرده است مینویسد: «قال استاذنا ابو موسی جابر بن حیان» یعنی استاد ما ابو موسی جابر بن حیان چنین فرموده... (محمد بن زکریا رازی در سال ۳۱۱ هجری وفات یافته است).

جهت شهرت جابر به کوفی و صوفی :

جابر بن حیان به دو عنوان «کوفی» و «صوفی» هم مشهور است اما جهت شهرت او به «کوفی» برای این است که جابر رفته رفته پس از رحلت امام (ع) سرشناس شد و از ترس جان خود شهر بشهر و دیار به دیار بسر میبرد و زمانی هم در شام در دروازه معروف به درب الذهب بوده و بیشتر کوفه را محل سکونت خود قرارداد.

نکته‌ای که شایان توجه میباشد این است که جهت ورود امام صادق (ع) در تعلیم اینگونه علوم و فنون چه بوده و داعی بر تحریر اقوال فلاسفه یونانی و ورود بر نقاط ضعف و یا خطایای آنان از کجا پیدا شده. در جواب این پرسش میگوئیم چند سالی باید به عقب برگشت و بسراغ خالد بن یزید بن معاویه بن ابوسفیان رفت. خالد که دستش از خلافت خاندان بنی امیه کوتاه شد در عوض متوجه کتابهای قدما در صنعت گردید. که بقول خودش عقب ماندگی خویشتن را از این رهگذر جبران کند.

خالد خطیب و شاعر و فصیح و وزیرک بود و پول هم خرج میکرد و او اول کسی است که کتابهای طب و نجوم و شیمی برای وی ترجمه شد.

ابن الندیم و راقی در کتاب «الفهرست» می‌نویسد که: گفته میشود و خدا داناست به راست و دروغ آن که خالد به عمل صنعت دست یافته است. و خالد در این باره چند کتاب و رساله نوشته و اشعاری هم در این موضوع سروده که پانصد ورق آنرا ملاحظه کرده‌ام و از کتابهایش کتاب حرارات و کتاب الصحیفة الکبیر و کتاب الصحیفة الصغیر و کتاب وصیت او را که برای پسرش درباره صنعت نوشته است دیده‌ام، در کتاب نسب قریش مینویسد: معتقدند که به خبر خروج سفیانی را خالد ساخته و در نشر آن کوشیده است. (که طمع مردم از خاندان ابوسفیان قطع نشود و این طرح شیطانی عجیب از زیر کی او است.)

باری: چون این موضوع معلوم شد اکنون میگوئیم که امام صادق (ع) مشاهده فرمود که توجه نو دانشمندان اسلامی به کتب یونانیان معطوف شده و خواه یا ناخواه جلو این سیل را نمیتوان گرفت، سلیکه اغلاط و خطایا و مطالبی

ابن الندیم وراق (۳) در کتاب «الفهرست» مینویسد :
جهت انتخاب کوفه برای این بوده که جابر آب و هوای
کوفه را برای فعالیت های علمی خود مساعد یافته است.
بالجمله چون مدت زیست جابر در کوفه ممتد بوده است از
این سبب به «کوفی» شهرت یافته است .

اما شهرت او به «صوفی» باعتقاد مخلص برای این
بوده که زاهدانه زیست میکرد و «صوف» یعنی لباسهای
پشمین و بی ارزش میپوشیده یا از جهت استغناء طبع، زیرا
دانشمندی که طلارا تحت تصرف خود در آورده است دیگر
ارزش برای اسب و شتر و تجمل قائل نیست و یا از جهت
پی گم کردن بوده که مردم جاهل و طماع قصد جانش را
نکنند، زیرا جابر گنج و گنجینه متحرکی بوده که در حق
او باید گفت: «دشمن طاووس آمد پراو» که در حقیقت گفته
خواجۀ شیراز مصداق «در لباس فقر کاراهل دولت میکنم»
در باره این دانشمند نامی و بزرگ صدق میکند و بالجمله
جابر از صوفیان معتقد به جوزهندی و سکه و انگشترین و
غیرها نبوده زندگانی جابر بعد از دوره توقف در کوفه روشن
نیست و خبری از او نداریم.

کتاب الرحمة جابر:

فردینان توتل در جلد دوم کتاب لغت المنجد
(بترجمه) مینویسد: جابر بن حیان از دانشمندان شیمی
عرب است و در حدود ۷۷۲ میلادی در کوفه زندگانی
میکرده و از جمله کتابهای او کتاب «الرحمة» است و در آن
کتاب از طریقۀ تحویل معادن به طلا بحث کرده است.

**کشف هاون طلا با دو یست رطل طلای ناب
و آزمایشگاه جابر در کوفه**

چون یکصدوسی و پنج بهار از وفات جابر گذشت
معزالدوله بویهیی در سال ۳۳۴ هجری وارد بغداد شد و در
سال ۳۳۵ در بغداد استقرار یافت.

عزالدوله پسر معزالدوله و نیز ابو سبکتکین دستار
دار از طرف معزالدوله در کوفه بودند .

در خلال این احوال طالاری (تالاری) در کوفه
کشف شد. پیداشدن طالار خرابه در کوفه در میان خانههای
خراب و ویران کوفه امر تازهئی نبود و از این بناهای خرابه
فراوان بوده وهست. ولیکن این خرابه نه از آن خرابهها
بود که بسادگی از آن توان گذشت زیرا اطالاری طولانی بود
و در این طالار یک کشف دو موضوع مهم جالب توفیق حاصل
شد یکی محل حل و عقد (آزمایشگاه) و دیگری کشف
هاون طلائی که در آن هاون دو یست رطل طلای ناب بود.
کشف این دو موضوع مهم عزالدوله و دستاردار را
به تحقیق و ادا کرد تا مکشوف شد که این خرابه، خانه و
مسکن و محل لابراتوار جابر بن حیان کوفی بوده است
(این واقعه را هم ابن الندیم بطور خلاصه در «الفهرست»
نوشته است .

رطل: نامی

کلمه «رطل» را بر وزن وقت باید خوانند و
آن وزن و پیمانۀائی است معادل سوازده و قیه یا ۲۵۶۴ گرم
و بگفته مؤلف المنجد کلمه رطل لغت آرامی است این لغت

۳ - برای شناختن شخصیت ابن الندیم وراق که بسیار از او نقل شده باید دانست که نامش محمد پسر اسحاق ندیم و مشهور
به «وراق» است یعنی شغلش «وراقی» و باسلاح امروز صحافی بوده و این صحاف مردی دانشمند و زیرک بوده .

کتابهایی را که برای صحافی بنزد او میآورده اند اسم کتاب و مؤلف و موضوع کتاب را در فهرستی ثبت میکسوده و ادامه
همین رویه کتاب «الفهرست» او را تشکیل داده و اگر کتاب «الفهرست» در دست نبود بسیاری از قسمتهای علوم و نام دانشمند عهد ما
قبل او از میان رفته بود.

کتاب «الفهرست» قبلا از روی نسخه های موجود در کتابخانه پاریس و کتابخانه کوپرلی (کوبرولو نام مکتبهئی بوده در
استانبول) و دو نسخه دروین و یک نسخه در لیدن (لیدن نام شهری است از کشور هلند واقع در کنار نهر راین سمت شرقی لاهه) در سال
۱۸۷۲ میلادی در لایپزیک (لیپزیک نام شهری است در قسمت آلمان شرقی) به چاپ رسیده و بعداً در کشور مصر تجدید چاپ
شده است.